



رضا آشفته

ساختمان تجاری پلاسکو در ضلع شمال شرقی چهارراه استانبول قرار داشت. این ساختمان را حبیب‌الله القانسان، رئیس انجمن کلیمیان تهران و مالک شرکت پلاسکو، بزرگ‌ترین کارخانجات صنایع پلاستیک‌سازی ایران، ساخت. کار ساخت این ساختمان ۱۷طبقه که از نوع اسکلت فلزی بود، از سال ۱۳۳۹ تا ۱۳۴۱ جریان داشت و در سال ۱۳۴۱ افتتاح شد. صبح روز پنجشنبه، ۳۰ دی و حدود ساعت ۷:۵۹ صبح، طبقات هشتم و نهم این ساختمان که بیشتر شامل واحدهای تولیدی لباس بودند و در شیفت شب هم به کار می‌پرداختند دچار حریق شدند. پس از حضور مأموران آتش‌نشانی و حوالی ساعت ۱۱ صبح درحالی‌که گفته می‌شد آتش مهار شده است، ناگهان آتش از بخش شرقی ساختمان زبانه کشید و دیوار شمالی ساختمان پلاسکو نیز به طور کامل فرو ریخت. با کامران عدل، عکاس معماری، درباره این ساختمان و ارزش‌های احتمالی‌اش گفت‌وگو کرده‌ایم.

✂ آیا درباره معماران و طراحان اولیه ساختمان پلاسکو اطلاعی دارید؟

نمی‌دانم! چون من آن زمان در فرانسه درس می‌خواندم.

✂ می‌گویند آلمانی یا کلیمی بوده‌اند؟

نمی‌دانم، اما درکل با این ساختمان مخالف بوده‌ام چون بافت شهری را به‌هم ریخته بود. مخصوصا خیابان استانبول که ما از آن خاطرات بسیاری داریم. در آن زمان در تقاطع خیابان نادری (جمهوری فعلی) با ۳۰آتیر (یا قوام‌السلطنه) مرکز فرهنگی شوروی قرار داشت که توده‌ای‌ها آنجا جمع می‌شدند که جلو سفارت انگلیس تظاهرات کنند. کافه نادری هم باتوق آنها بود. در آن قسمت، همیشه درگیری و کتک‌کاری بین طرفین برقرار می‌شد که گاهی هم تیراندازی به وقوع می‌پیوست. پس در طرف نادری جنگ‌های سیاسی برقرار بود. برعکس، وقتی از چهارراه فردوسی به خیابان استانبول می‌رسیدید، جو کاملا متفاوت می‌شد. خیابان استانبول از سال ۱۳۲۰ و موقع جنگ جهانی دوم، شمال شهر تهران و محل رفت‌وآمد و تفریح سربازان آمریکایی بود. در طرف جنوبی خیابان استانبول، کافه‌هایی به سبک اروپایی قرار داشتند که ساز و موزیک و مشروب داشتند و محل تفریح آمریکایی‌ها بودند. در همین کافه‌ها، روشنفکرانی نیز رفت‌وآمد داشتند. معماری طرف جنوبی خیابان استانبول به سبک مدرنیسم فرانسوی بود که هنوز مقداری از آن به‌جا مانده است. دو سینما هم در این طرف خیابان وجود داشت که اولی سینما مایاک بود در تقاطع لاله‌زار و استانبول که سال گذشته آن را خراب کردند. یک سینمای دیگر هم وجود داشت (هنوز هم هست، ولی درش را کل گرفته‌اند که الان اسمش را فراموش کرده‌ام).

طرف شمالی خیابان هم یک معماری بسیار زیبای قاجار– پهلوی وجود داشت که بخشی از آن هنوز سرپاست. در محل ساختمان پلاسکو و بازار کوتی‌ها نیز سینما برلیان و هتل و کافه‌رستوران بسیار شیک هتل پلاس قرار داشتند که پدربان گاهی ما را به آنجا می‌برد. باغ بسیار زیبایی داشت و ارکستری نیز موسیقی‌های آن دوران اروپا را اجرا می‌کرد. ما برادران، برای اولین‌بار بود که در آنجا کافه‌کلاسه خوردیم که هنوز مزه آن زیر زبانی‌م هست. متأسفانه در سال‌هایی که ما را به فرنگ فرستادند، محل هتل و سینما برلیان را خراب کردند و پاساژ القانین و بازار کوتی‌را ساختند که بافت بسیار زیبای خیابان استانبول را که در آن‌موقع به آن شانزه‌لیزه تهران می‌گفتند، کاملا به‌هم زدند که بسیار مایه تأسف من شد، زیراکه در موقع مراجعت‌م به تهران، بعد از اتمام تحصیلات عکاس‌ام، بسار خوب این فاجعه را در کرم می‌کردم، ولی خب، کارهای نبودم که حرفی درباره آن بزنم.

✂ صاحبش را می‌شناختید که با چه هدفی اینجا را ساخت؟

حبیب‌الله القانین، رئیس انجمن کلیمیان تهران و مالک شرکت پلاسکو بود. او بعد از انقلاب اعدام شد و این ساختمان به نام بنیاد مستضعفان شد. این ساختمان و بازار کوتی‌های بی‌ریخت و بی‌قواره فقط با هدف تجاری ساخته شده بودند؛ ساختمان‌های بی‌ریخت و بدقواره و مهملی بودند. این دو ساختمان برای بافت قدیمی آنجا مسئله شده بودند و بلندای آنها نظم این قسمت از شهر را از بین برده بود. بنابراین هیچ هدف زیبایی‌شناسانه‌ای در ساخت آنها نبود.

✂ کارکرد اولیه‌اش چگونه بود؟

گفت‌وگو با کامران عدل، عکاس معماری، درباره ساختمان پلاسکو

با معماری قاجاری نسبتی نداشت



مثل الان پاساژ بود و به‌اصطلاح در آن طلافروش‌ها و ساعت‌فروش‌ها مستقر بودند که رفته‌رفته جایشان را پوشاک‌فروش‌ها گرفتند. البته کم‌کم این پوشاک‌فروشی‌ها به ضلع شمال شرقی چهارراه استانبول آمدند و من کمتر جرئت می‌کردم از این قسمت عکاسی کنم چون جلو سفارت انگلیس است و نمی‌شود به‌راحتی دوربین به دست گرفت؛ احتمال دستگیری در آن محل زیاد است. بعدش هم زندان و … که ارزشش را نداشت. در این قسمت هم ساختمان‌های قاجار– پهلوی بسیار زیبایی ساخته شده بود که بخشی از آنها هنوز هست، ولی کاشی‌کاری‌های آنها در حال ریختن هستند. نمی‌توانید احساس من را درک کنید که وقتی به این معماری نگاه می‌کنم و این دو هیولای پشت آنها را می‌بینم؛ نفرت‌انگیز بودند و هستند.

✂ از این منطقه عکس هم گرفته‌اید؟

بله چندین‌بار. در سال ۱۳۶۳، در چارچوب عکاسی از شهر تهران و تهرانی‌ها در زمان تجاوز صدام دقیقا از معماری قاجار– پهلوی و این ساختمان عکاسی کردم که نشان بدهم این ساختمان چقدر بی‌ریخت و مهمل است. نمی‌دانستم این عکس بعد از ۲۲ سال، در چنین موقعیتی به کار برده شود.



ساختمان برج‌ها صاحب اندیشه نیستند.

بهترین مدعا هم دویی است. در میان ما، صحبتی هست که می‌گویم معماری‌های صاحب اندیشه در این قسمت جهان، مورد تجاوز بی‌شعورترین ساکنان منطقه قرار گرفتند. معماری یمن به وسیله عربستان، معماری ایران به وسیله دویی و معماری سوریه، به وسیله معماری کویت که بسیار از آنها عکاسی کرده‌ام

✂ آیا پلاسکو اولین برج بلند تهران بود؟

نه؛ قبل از آن ساختمانی هفت یا هشت طبقه در اول خیابان شاه‌آباد (جمهوری اسلامی فعلی) ساخته شد. در دهه ۱۳۲۰، در آن موقع ما بچه بودیم. می‌رفتم به دیدن این ساختمان که هنوز هم برپاست. سرمان را بالا می‌بردیم تا کلاهمان بیفتد. بچه بودیم و می‌خندیدیم. در آن موقع، همه می‌گفتند: «تهران نیویورک شده!!!!» هر چقدر من خاطره خوب و مثبت از آن ساختمان دارم، از این یکی حالم بد می‌شد. هنوز هم هر وقت از آنجا رد می‌شوم – که زیاد رد می‌شوم– زیرا خانام آن طرف است، یاد بچگی‌های خودم می‌افتم و یلخندی می‌زنم. خارق‌العاده است این خاطره….

✂ آیا خبر دارید که شرکت‌های فیلم‌سازی در ابتدای ساختن پلاسکو در آنجا مستقر شده بودند؟



نه به‌هیچ‌عنوان. این ساختمان درست شده بود برای پول‌سازی، اندیشه و انتلکتوالیسم در این ساختمان راهی نداشت. مرکز فیلم‌سازی در خیابان ارباب جمشید بود. در خیابان کوشک.

✂ آیا ساختمان پلاسکو به لحاظ معماری ارزشی داشت؟

نه به‌هیچ‌عنوان. اصولا ساختمان برج‌ها صاحب اندیشه نیستند. بهترین مدعا هم دویی است. در میان ما، صحبتی هست که می‌گویم معماری‌های صاحب اندیشه در این قسمت جهان، مورد تجاوز بی‌شعورترین ساکنان منطقه قرار گرفتند. معماری یمن به وسیله عربستان، معماری ایران به وسیله دویی و معماری سوریه به وسیله معماری کویت که بسیار از آنها عکاسی کرده‌ام.

بلندمرتبه‌سازی در تهران از دوران آقای کرباسچی شروع شد. عکس‌هایی از آن دوران دارم که حیرت‌انگیز هستند. هرچه می‌گفتم و می‌نوشتیم که آقایان برج‌سازی در این کوچ‌پس‌کوچه‌ها درست نیست، کسی گوش شنوا نداشت. در آن موقع مقالاتی در نفی این کارها در کتاب «تهران» می‌نوشتیم و کرباسچی را مسخره می‌کردم. در نهایت به وزیر ارشاد وقت زنگ زد و دیگر نگذاشتند که بنویسم و کتاب هم تعطیل شد. حالا یکی بیاید و جواب‌گو باشد که اگر یکی از این برج‌ها دچار آتش‌سوزی بشود، چه کسی و چگونه می‌خواهند به داد آنها برسند؟ یادتان نرود که پلاسکو در مجاورت چندین ایستگاه آتش‌نشانی مهم تهران بود. با این خیابان‌های پهن، در ساعت کم‌تردد، نتیجه‌اش این شد. تمام این ساختمان‌ها که با تیر آهن ساخته شده‌اند، می‌توانند سرنوشت پلاسکو را داشته باشند؛ زیرا اسکلت فلزی پلاسکو، بر اثر حرارت ایستایی خودش را از دست داد و ساختمان فرو ریخت.

✂ آیا این آتش‌سوزی برای معماری تهران یک پیام دارد؟

البته همان‌طور که گفتم، این فاجعه می‌تواند هر روز رخ بدهد. همه برج‌ها در شمال شهر هستند و واقع در کوچ‌باغ‌ها. پلاسکو در مجاورت چهار ایستگاه بزرگ آتش‌نشانی بود که این شد. چند ایستگاه آتش‌نشانی به این بزرگی در تجریش هست؟ باید ده‌ها نفر شهید و کشته شوند که به فکر بقیتم؟ کامیون‌های آتش‌نشانی چگونه می‌خواهند وارد کوچ‌های هشت‌متری این برج‌ها بشوند؟

✂ به نظرتان علت فروپاشی ساختمان پلاسکو چه بود؟

همان‌طور که عرض کردم، اسکلت فلزی مهم‌ترین دلیل آن است؛ چون آهن و فولاد در مقابل آتش دوام نمی‌آورد و با ذوب‌شدن آن شل می‌شود و روی خودش فرو می‌ریزد. باید ساختمان‌های بلند از بتون باشند که در مقابل آتش مقاوم است. الان باید فکر اساسی برای برج‌های ۲۵ و ۲۸ طبقه بکنند و هرچه زودتر برای ایمن‌سازی‌اش فکری بکنند.

۱۱ هنرمند که هنر ۲۰۱۷ را دگرگون می‌کنند

کریستین ویوروس - ترجمه: افرا مصفا



گوستون از انتزاع به نقاشی فیگوراتیو روی آورد– کاری که جنرال هنری بزرگتری از هیاهوی استفاده باب دیلان از کینار الکتریکی برپا کرد– علاوه‌برآن او ریشه‌ای از نقاشی با جوهر آفرید که با آنها سی‌وهفتمین رئیس‌جمهور آمریکا را شدیداً به نقد کشید. در گالری هاوزر اند وریث (Hauser & Writth) در پایین شهر نیویورک مجموعه‌ای به نمایش درآمده است با نام «فیلیپ

هنر و معماری

مکعب سفید

نمایشگاه «این‌گونه شیوه‌های مدارا» درتالش

شرق: امیرحسین دلبری که جامعه هنری او را با جواهرات هنری می‌شناسند، با مجسمه‌هایی فیگوراتیو و البته جواهرات هنری معاصرتری به گالری ثالث می‌آید. «این‌گونه شیوه‌های مدارا» عنوان این نمایشگاه است که از عصر جمعه هشتم بهمن در گالری ثالث برپا می‌شود. ۳۲ مجسمه کوچک، دو مجسمه بزرگ، ۵۲ عدد جواهرات هنری و دو چیدمان این هنرمند جوان در این نمایش انفرادی است؛ همچنین از دو کتاب مجسمه‌ها و جواهرات هنری دلبری در آیین افتتاحیه رونمایی می‌شود. دلبری می‌گوید تلاش کرده از زاویه نگاهی نو مجسمه‌هایش را خلق کند. او معتقد است مجسمه‌هایش فیگورهایی از آدم‌های امروز است؛ فیگورهایی که تنها پوسته‌ای از انسان معاصر را به نمایش می‌گذارند. دلبری درعین‌حال تأکید دارد: «جواهرات هنری‌ام در این نمایشگاه نوعی مدرنیسم ایرانی است که در عین میراث‌داری هویت ایرانی وجهی مدرن را بازتاب می‌دهند که از فرمت سنتی فاصله بسیار دارند».

عکس: بهنام مودن، شرق

نه به‌هیچ‌عنوان. این ساختمان درست شده بود برای پول‌سازی، اندیشه و انتلکتوالیسم در این ساختمان راهی نداشت. مرکز فیلم‌سازی در خیابان ارباب جمشید بود. در خیابان کوشک.
✂ آیا ساختمان پلاسکو به لحاظ معماری ارزشی داشت؟
نه به‌هیچ‌عنوان. اصولا ساختمان برج‌ها صاحب اندیشه نیستند. بهترین مدعا هم دویی است. در میان ما، صحبتی هست که می‌گویم معماری‌های صاحب اندیشه در این قسمت جهان، مورد تجاوز بی‌شعورترین ساکنان منطقه قرار گرفتند. معماری یمن به وسیله عربستان، معماری ایران به وسیله دویی و معماری سوریه به وسیله معماری کویت که بسیار از آنها عکاسی کرده‌ام.
بلندمرتبه‌سازی در تهران از دوران آقای کرباسچی شروع شد. عکس‌هایی از آن دوران دارم که حیرت‌انگیز هستند. هرچه می‌گفتم و می‌نوشتیم که آقایان برج‌سازی در این کوچ‌پس‌کوچه‌ها درست نیست، کسی گوش شنوا نداشت. در آن موقع مقالاتی در نفی این کارها در کتاب «تهران» می‌نوشتیم و کرباسچی را مسخره می‌کردم. در نهایت به وزیر ارشاد وقت زنگ زد و دیگر نگذاشتند که بنویسم و کتاب هم تعطیل شد. حالا یکی بیاید و جواب‌گو باشد که اگر یکی از این برج‌ها دچار آتش‌سوزی بشود، چه کسی و چگونه می‌خواهند به داد آنها برسند؟ یادتان نرود که پلاسکو در مجاورت چندین ایستگاه آتش‌نشانی مهم تهران بود. با این خیابان‌های پهن، در ساعت کم‌تردد، نتیجه‌اش این شد. تمام این ساختمان‌ها که با تیر آهن ساخته شده‌اند، می‌توانند سرنوشت پلاسکو را داشته باشند؛ زیرا اسکلت فلزی پلاسکو، بر اثر حرارت ایستایی خودش را از دست داد و ساختمان فرو ریخت.

✂ آیا این آتش‌سوزی برای معماری تهران یک پیام دارد؟

البته همان‌طور که گفتم، این فاجعه می‌تواند هر روز رخ بدهد. همه برج‌ها در شمال شهر هستند و واقع در کوچ‌باغ‌ها. پلاسکو در مجاورت چهار ایستگاه بزرگ آتش‌نشانی بود که این شد. چند ایستگاه آتش‌نشانی به این بزرگی در تجریش هست؟ باید ده‌ها نفر شهید و کشته شوند که به فکر بقیتم؟ کامیون‌های آتش‌نشانی چگونه می‌خواهند وارد کوچ‌های هشت‌متری این برج‌ها بشوند؟

شرق: چهار کارگاه آموزشی به سرپرستی «یوجینو باربا» در تهران و در نیمه دوم بهمن برگزار می‌شود. به گزارش روابطعمومی اداره‌کل هنرهای نمایشی، «اداره‌کل هنرهای نمایشی» با همکاری «گروه تئاتر اودین» - به سرپرستی «یوجینو باربا» کارگردان و نظریه‌پرداز برجسته تئاتر معاصر- از ۱۷ تا ۲۰ بهمن‌ماه ۱۳۹۵ اقدام به برگزاری چهار کارگاه پیشرفته برای هنرمندان، منتقدان و پژوهشگران تئاتر می‌کند و علاقه‌مندان از این فرصت آموزشی، تنها تا «۱۰ بهمن‌ماه» فرصت دارند تا ضمن تکمیل و ارسال فرم درخواست حضور در کارگاه، نسبت به ثبت‌نام برای کارگاه‌های آموزشی مورد علاقه خود اقدام کنند. شایان ذکر است به علت محدودیت ظرفیت کارگاه‌ها، شرکت‌کنندگان نهایی بر مبنای «اطلاعات درج‌شده در فرم درخواست» و با مشورت «گروه تئاتر اودین» انتخاب می‌شوند. به دلیل لزوم ترجمه اطلاعات دریافتی و تکمیل مراحل ثبت‌نام برای پذیرفته‌شدگان نهایی، مهلت ثبت‌نام تمدید نمی‌شود. متقاضیان لازم است پس از تکمیل فرم «درخواست شرکت در کارگاه‌های آموزشی گروه تئاتر اودین» آن را همراه با «یک عکس از متقاضی» و «یک مودع مقرر به ایمیل ساسان پیروز (مدیر کارگاه‌های آموزشی)» به نشانی sasan.pirouz@gmail.com ارسال کنند. در این فراخوان آمده است ظرفیت کارگاه‌ها «مفهوم حرکت»، «دینامیک و هماهنگی» و «پیداکردن معنای نهان» شامل ۱۶ شرکت‌کننده و چهار مشاهده‌گر (منتقد، پژوهشگر، کارگردان و…) است و تمرین‌های عملی در کارگاه انجام خواهد شد.

قوس

جامعه، معماری، دیالوگ

از جنبه‌های مغفول در دوران معماری حال حاضر ما توجه به رابطه میان آرشیکتک و کارفرماست. با تورقی در تاریخ در می‌پاییم که رابطه بین بنا و کارفرما در زمان گذشته بسیار مهم بوده است؛ آن‌گونه که دیالوگی میان آنها صورت می‌گرفت و معلوم می‌شد اساس کار به چه صورت خواهد بود. اما در زمان ما ساختمان‌ها از پیش ساخته شده‌اند و حالا این ادبیات بسازوبفروشی است که می‌کوشد با آن زبان مخصوص به خود ساختمان را به فروش برساند. اما این میان هیچ دیالوگی میان معمار و کاربر صورت نگرفته است و معمار در خیال خود، اگر به مصرف‌کننده اندیشیده باشد، برای کاربری فرضی طراحی را صورت داده و مصرف‌کننده بانپی که او طراحی کرده است نیز باید از انعطاف خود بهره بگیرد و زندگی خود را با آنچه هست، و نه آنچه باید باشد، وفق دهد. این نکته به فراوانی در مساکن تعاونی به چشم می‌خورد. واحدهای یک‌شکلی که بیش از آنکه انعطاف‌پذیری، مشخصه آنها در معماری‌شان باشد، همان‌طور که ذکر شد، از انعطاف‌پذیری مصرف‌کننده خود بهره می‌برند. مسئله روشن است؛ دیالوگ‌ها در معماری تبدیل به مونولوگ شده‌اند. نه در زمینه تک‌بناها بلکه در عرصه شهری و نه در عرصه ساخت که در نقد و پژوهش آن. یکی از دلایل آنچه در سطور اولیه ذکر شد، تغییر بارادایم‌هاست. رابطه مردم با عوامل اجرایی در عملیات عمرانی از بین رفته است. هنگامی که صحبت از گذشته کردیم، لازم به توضیح است که در گذشته قالب‌های ساختمانی نیز به تنوع امروز نبوده است. اگر به شهرهای سنتی‌مان نگاه کنیم، می‌بینیم شهرها را قالب‌هایی تقریباً یک‌شکل تشکیل داده‌اند که به‌طور مثال در شهرهای مرکزی آن دوره، حیاط مرکزی وجه غالب آنها بوده است؛ و اینکه یک ساختمان باید چند حیاط داشته باشد، حیاطی غیر از حیاط اصلی، براساس نیاز کارفرما و طبقه اجتماعی او معلوم می‌شده است. اما امروزه معماری ما به مدد تحولات بنیادینی که در عرصه‌های مختلف ازجمله در ساخت صورت گرفته، بسیار آزادتر از گذشته شده است و نمودهای یک‌شکلی ندارد. پس فهم مردم از معماری نیز دیگر یک‌شکل نیست. اگر قرار به برقراری دیالوگی باشد، مصرف‌کننده نمی‌داند چه می‌خواهد و نمی‌تواند توضیح دهد که دوست دارد ساختمانش به چه شکل باشد. در نتیجه دیالوگی صورت نمی‌گیرد و معمار در خیال خود که بسیار برایش شیرین است و نمی‌خواهد از آن کوتاه بیاید، دست به قلم می‌شود. این نکته در عرصه‌ها و مقیاس‌های شهری نیز صادق است. اگر قرار است فضای باز عمومی برای افراد جامعه ایجاد شود، اگر نظر آنها مشارکت داده نشود، طرح پاسخ‌گو نخواهد بود و نتیجه آن که امروز نیز کاملاً مشهود است، بلااستفاده‌بودن این‌گونه فضاهاست. در وادی نقد نیز اینکه کسی حرفی بزند و برود بی کارش، نیز جای خالی دیالوگ را بار دیگر یادآوری می‌کند. اگر دیالوگی باشد، هر نظری را بدون منطق نمی‌توان بیان کرد؛ در نتیجه اثر که از نظر برمی‌آید، دیگر یک جنبه نخواهد بود. این مسئله تنها در معماری ما خلاصه نمی‌شود؛ جامعه ما برای حل بسیاری از مشکلات خود نیاز به استفاده از امردموکراتیک دیالوگ دارد. اگر این ابزار به وسیله ما استفاده شود، بسیاری از مشکلات اجتماعی و سیاسی از بین خواهد رفت. آنچه اینجا ضروری به نظر می‌رسد، ایجاد زبانی برای گفت‌وگوست، مشخصاً در معماری. معماران نیاز به ایجاد زبانی عامه‌فهم دارند. این‌گونه که برایشان ملموس باشد. فقدان آن مضرت بسیاری را نه‌فقط برای معماری که برای کالبد شهری و برای مردمی که مشخص‌ترین وجه معماری هستند و که اساسا دغدغه‌ها باید آنها باشد ایجاد کرده است. امید است بیان مطالب معمارانه در رسانه‌های عمومی که از قالب بیان تخصصی‌شان خارج شده‌اند اما همچنان مهم هستند، راه‌حلی برای این امر و تغییر گفت‌مان و ادبیات مردم در این دیسپلین شود.

ورکشاپ

کارگاه ۲ روزه ترجمه «از و به زبان ایتالیایی»

شرق: کارگاه دوروزه ترجمه «از و به زبان ایتالیایی»، با همکاری شهر کتاب، رایزنی فرهنگی سفارت ایتالیا و دانشگاه آزاد اسلامی روزهای سی‌ام دی و یکم بهمن در مرکز فرهنگی شهر کتاب برگزار شد. در این کارگاه استادان زبان و ادبیات ایتالیایی، به آموزش متمرکز و کارگاهی ترجمه پرداختند. در آغاز کارگاه، کارلو چرتی، رایزن فرهنگی ایتالیا در تهران، گفت: با توجه به اینکه ایتالیا میهمان ویژه نمایشگاه کتاب تهران در سال ۱۳۹۶ خواهد بود، تصمیم گرفتیم سلسله فعالیت‌های فرهنگی‌ای را به‌عنوان مقدمه این رویداد فرهنگی برگزار کنیم تا فرهنگ و ادبیات ایران و ایتالیا در دو کشور بیشتر و بهتر معرفی شود. وی افزود: پیش‌تر کار مرمت بنای باستانی «انسان بالدرا»، از ابنیه مهم سایت جهانی پاسارگاد را جشن گرفتیم و امروز شاهد دومین رویداد از سلسله فعالیت‌های فرهنگی‌مان هستیم. اگرچه ادبیات معاصر ایتالیا برای ایرانیان ناشناخته نیست، آثار ترجمه‌شده از ادبیات ایتالیایی به فارسی پشمار نیستند و در برخی موارد این ترجمه‌ها از زبان‌های دیگر و به دست مترجمان غیرمتخصص انجام شده است. از طرف دیگر در ایتالیا نیز مترجمان خوبی برای زبان فارسی نداریم و بنابراین نمی‌توانیم از کتاب‌های فارسی، آن‌طور که باید بهره ببریم. چرتی تصریح کرد: در این کارگاه دوروزه به مترجمان جوان آموخته خواهد شد که ترجمه خوب چه متنی است و متن‌های ادبی و هنری را چگونه باید ترجمه کرد. امیدوارم با دست‌با به نمایشگاه کتاب تهران برسیم و بتوانیم نویسندگان ایتالیایی‌ای که در میهمان نمایشگاه کتاب ایران خواهند بود، به‌خوبی به ایرانیان معرفی کنیم. علی‌اصغر محمدخانی، معاون فرهنگی شهر کتاب، نیز گفت: گفت‌وگوها و همکاری‌های فرهنگی ایران و ایتالیا در سه دهه گذشته خوب بوده و سال آینده نیز برنامه‌های متعددی را در مسیر گسترش مفاهمه و شناخت متقابل اجرا خواهیم کرد. وی افزود: در ۱۰ سال گذشته ۲۲۶ عنوان کتاب از ادبیات ایتالیایی به فارسی ترجمه شده است. بین نویسندگان ایتالیایی، ایتالو کالوینو با ۱۷ عنوان کتاب ترجمه‌شده، در راس نویسندگان ایتالیایی معروف در ایران قرار دارد؛ سپس لونیچی پیراندلو با ۱۴ عنوان، انتونیو تابوکوی با ۱۲ عنوان، آلبرتو مورایوا با ۱۰ عنوان و دینو بوتزاتی با ۹ عنوان قرار دارند. از گزاتیا دلدلا و آلیا دسسن پدس هم هشت عنوان کتاب به فارسی ترجمه شده است. دراین‌میان ایتالو کالوینو با ۷۷ نوبت چاپ، پرتیراژترین نویسنده ایتالیایی در میان ایرانیان شمرده می‌شود. وی خاطرنشان کرد: در میان نویسندگان کلاسیک ایتالیا نیز داتنه در صدر قرار دارد و از «کمدی الهی» او تاکنون پنج برگردان به زبان فارسی ارائه شده است که درمجموع ۹۴ بار تجدیدچاپ شده‌اند.

کارگاه روز نخست با حضور نادیا مارارتزی و فرانچسکو تستا و کارگاه دوم با حضور نادیا معاونی، آزاده عسگری، هاله ناظمی، مرگزان مهرگان، زهرا رفعت‌نژاد و حانیه اینانلو برگزار شد.